

محمد حسین حشمت‌پور از باسابقه‌ترین مدرسان حکمت و فلسفه در ایران معاصر درگذشت. حشمت‌پور در فقه و اصول از آیت‌الله وحید خراسانی بهره برده و در فلسفه و عرفان نیز از محضر آیت‌الله جوادی و علامه حسن زاده آملی استفاده کرده، هر چند در این حوزه‌ها بیشتر به تأمل و تعمق پرداخته بود.
دروس متن خوانی «حکمت‌الاشراق»، «شرح طبیعیات شفا» و «شرح

**محمد حسین**

**حشمت‌پور درگذشت**



نسرين بختياري گروه فرهنگ و هنر

**نمایش «کارنامه بندار بيدخش» به کارگردانی سازز پوردرشتی و مهدی وحیدروش (بازیگر نقش بندار بيدخش) که متن آن نوشته بهرام بیضایی است، نمایشی است که این روزها در کارگاه نمایش تئاتر شهر روی صحنه می‌رود. بعد از دیدن این نمایش، شاید این بیت حسین منزوی در ذهن‌مان زنده شود: «چه سرنوشت غم‌انگیزی که کرم کوچک ابریشم/ تمام عمر قفس می‌بافت، ولی به فکر پریدن بود!»، این نمایش نگاهی به قدرناشناسی پادشاهان از دانشمندان زمان خود دارد و با گویشی کهن و وزین، درباره دانشمندی به نام بندار است که آینده‌ی جهان‌نما می‌سازد و به شاه جم، هدیه می‌کند؛ اما چون قدرت و علاقه به داشتن جام جهان‌نما شاه را کور کرده، می‌ترسد که مبادا بُندار باز هم آینده‌های جهان‌نمای دیگری بسازد و به دشمنانش بدهد. اجرای این نمایش بهانه‌ای بود که با دو کارگردان این اثر گفت‌وگو کنیم که در ادامه می‌خوانید.**

■ ■ ■

**نمایشنامه کارنامه بندار بيدخش، جزو نمایشنامه‌هایی است که کمتر نامش را برای اجرا شنیده‌ایم؛ چه انگیزه یا ظرفیت‌هایی در این نمایش دیدید که ترغیب به اجرای آن شدید؟**

**وحیدروش:** یکی از مهم‌ترین موانع ابتدایی در این متن که باعث می‌شود کارگردانان کمتر میلی به اجرای آن داشته باشند، زبان خاص آن است. سه اثری که در کتاب «سه برخوانی» بیضایی ارائه شده، از نخستین متونی است که ایشان نوشته و زبان فارسی آرکائیک و باستانی دارد. این ویژگی زبانی، کار با این متن‌ها را تا حدی دشوار می‌کند، چون با زبانی مواجه‌ایم که نه در گفتار روزمره ما جایی دارد و نه در متن‌هایی که معمولاً برای خواندن انتخاب می‌کنیم؛ مگر متخصص زبان‌شناسی یا علاقه‌مند این حوزه باشیم. دلیل دیگر برای پرهیز کارگردان‌ها از اجرای این متن، نحوه روایت آن است. این نمایشنامه چون به

شیوه برخوانی روایت می‌شود، شخصیت‌ها با یکدیگر گفت‌وگو نمی‌کنند. بندار بيدخش در زندان رویینه‌دژ به سر می‌برد و «جم» در کاخ خود. آنها در دو مکان متفاوت، ماجرا را در تک‌گویی‌های جداگانه از منظر خود روایت می‌کنند. این ساختار متن – اگر بخواهیم به آن وفادار باشیم – امکان کنش‌مندی و دیالکتیک بین شخصیت‌ها در اجرا را کاهش می‌دهد. اگر برای متنی به زبان امروزی دو یا سه ماه تمرین می‌کنیم، برای چنین متنی با این زبان و ساختار روایی، دو یا سه برابر زمان نیاز داشتیم که بخش چالش‌برانگیزتر برای ما همین مورد دوم بود. با خودمان گفتیم: «با

این شخصیت‌ها چه کنیم؟ اینها که با هم حرف نمی‌زنند!». چطور می‌شود از دل این وضعیت، جذابیت نمایشی و دراماتیک خلق کرد؟ تصمیم گرفتیم وارد تمرین شده و این چالش مواجه شویم. تلاش کردیم لایه‌های پنهان متن و تغییر نسبت‌ها میان شخصیت‌ها را کشف کرده و به نمایش بگذاریم. من و خانم پوردرشتی به این نتیجه رسیدیم که با تمرین بیشتر، می‌توان بر زبان و مفاهیم متن مسلط شد و آن را طوری اجرا کرد که انگار بازیگر با زبان چندان دشواری هم سخن نمی‌گوید. از نظر درک متن، مخاطبان بسیاری – چه در اجرای مکتب تهران، چه در اجرای تئاتر شهر – به ما گفته‌اند با این‌که معنی بعضی کلمات متن را نمی‌دانستند اما به خوبی روند روایت را درک و داستان را دنبال کردند. هدف ما این بود، بتوانیم در درگیری عمیق‌تر با متن، به اجزایی برسیم که در آن سخنی زبان به چشم نیاید.

یکی دیگر از جذابیت‌های متن این نمایش برای ما،

شواهدالرubiوبه» وی از بهترین نمونه‌های دروس حکمی به‌شمار می‌رفت. شیوه حشمت‌پور عمدتاً تمرکز بر متون ارزشمند و درعین حال مهجوری بود که کمتر به آنها پرداخته می‌شود که ازجمله آنها می‌توان به تدریس کتاب «الملله» فارابی و «الدریعه الی مکارم الشریعه» اثر راغب اصفهانی اشاره کرد. شایان ذکر است حشمت‌پور عضو هیأت علمی گروه فلسفه اسلامی دانشگاه قم بود و

# نبرد قدرت و دانش در تئاتر شهر

**به بهانه اجرای نمایش «کارنامه بندار بيدخش» با کارگردانان این اثر گفت‌وگو کردیم**



است، قدرت بیان بازیگر اهمیت ویژه‌ای دارد. به علاوه، آکسان‌گذاری‌ها و تنوع لحنی که بازیگران هنگام خوانش متن رعایت می‌کنند، بسیار مهم است. آقایان وحیدروش و فضل‌ی، بسیار روی بیان‌شان در تمرین‌های متعدد کار کردند. باتوجه به حجم مونولوگ‌هایی که هرکدام از این عزیزان داشتند، تلاش زیادی انجام شد. پس از آن‌که کارگردان مفهوم متن را به خوبی درک کرد، باید این درک را با بازیگران به اشتراک بگذارد و به یک توافق مشترک برسند تا خلاقیت آغاز شود. چون تئاتر کاری تعاملی است و باید همه چیز به صورت شفاف و توافقی پیش برود. ما برای این نمایش حدود دو ماه فقط برای دورخوانی زمان صرف کردیم. سپس، با خوانش‌های بیشتر، وارد پلاتو و تمرین‌های سریا شدیم.

**آیا می‌توانیم این برداشت را از این نمایش داشته باشیم که به نوعی شاهد نبرد دانش و قدرت و قدرناشناسی نسبت به صاحبان فضل و دانش هستیم...؟**

**وحیدروش:** بله، به روشنی می‌توان چنین برداشتی از این متن داشت. همان‌طور که استاد بیضایی درباره شاهنامه گفته‌اند که «شاهنامه داستان ملتی است که از بزرگی به خُردی افتاده. و این اثر از کین‌کشی، آرز، زیاده‌خواهی، تنگ‌نظری، موقعیت‌نشناسی و... سخن می‌گوید» که وضعیت را به جایی می‌رساند که ملتی یکدیگر را ویران می‌کنند و در پایان همه از پای درمی‌آیند. این‌گونه نیروی جدیدی می‌آید و بر آن ملت غلبه می‌کند. در متن نمایشنامه این مضمون تکرار می‌شود که چگونه صاحبان قدرت گرفتار این «چاله شخصیتی» می‌شوند، از آن دست نمی‌کشند و از پیشینیان خود عبرت نمی‌گیرند. برای اربابان قدرت، این گزینه جذاب‌تر است که در تاریخ ثبت شود. خدمات آن دوره حاصل تصمیم‌ها و اقدامات فرد صاحب قدرت بوده و از آن نشأت گرفته است. در مقابل، گزینه‌ای که کمتر از آن استقبال شده، آن است که گفته شود دوران زمامداری صاحب‌قدرتی، دورانی بسیار نیکو برای مردمان و سرزمینش بوده و او بیشتر خدمت کرده و در اوج مقبولیت و مشروعبیت بوده است. اغلب صاحبان قدرت ترجیح می‌دهند همه چیز به نام خودشان ثبت شود، حتی اگر در این مسیر دانشمندان را دل‌خسخته، مخلوع و



به تدریس فلسفه و متون حکمی در دانشگاه قم و حوزه علمیه این شهر اشتغال داشت. سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیمایی به مناسبت درگذشت محمد حسین حشمت‌پور استاد حکمت و فلسفه گفت: این اندیشمند برجسته، عمر خویش را زاهدانه و فروتنانه وقف ترویج حکمت، پرورش اندیشه و ارتقای دانش فلسفی در حوزه و دانشگاه کرد.

حتی مقتول کنند. این چاله شخصیتی تنها به اربابان قدرت محدود نمی‌شود بلکه برخی از دانشمندان برای این‌که از صدر کنار گذاشته نشوند، مدتی زیر بار آن رفته‌اند؛ اما بعضی از آنها در ادامه پشیمان شده‌اند. این خصلت آدمی است که هر یک انتخابی مجزای می‌کنند و بهایش را هم می‌پردازند.

**بعضی منتقدان معتقدند که اجرای این نمایش به همان شکلی که متن بوده و با توجه به تک‌گویی موجود در آن؛ ممکن است با مخاطبان امروز ارتباط خوب یا تنگاتنگی برقرار نکند؛ شما چه پاسخی در این رابطه دارید؟**

**وحیدروش:** پاسخ مناسب به این پرسش به دست تماشاگران است. اما به نظر در مدت‌زمانی که مشغول تمرین این نمایش بودیم، بسیاری از دوستان همکار که شنیدند سرآغ این متن رفته‌ایم، به شوخی یا جدی می‌گفتند: «چرا خودکشی هنری می‌کنید؟... این چه رنجی است که به خودتان برای کار اول تحمیل کرده‌اید؟». همان‌طور که در پاسخ به پرسش نخست شما دیدگاه‌مان درباره دشواری‌های اجرای این متن را گفتیم،

معتقدم آقای بیضایی متنی درباره اساطیری از سرزمینی با سابقه حکومت پادشاهی نوشته که همیشه ساختار تک‌گویی حاکم بوده است. در چنین ساختاری گفت‌وگو یا دیالوگ وجود ندارد. این برعکس متون کهن نمایشی در یونان است. تلاش کردیم دیالکتیک میان دو شخصیت را نمایش دهیم، مخاطباتی که اجزا را دیده‌اند، می‌دانند که در چند لحظه بسیار کوتاه، این دو شخصیت با یکدیگر ارتباط چشمی برقرار می‌کنند. به عنوان مثال؛ جایی که بندار جام را به جم تقدیم می‌کند، این ارتباط لحظه‌ای به نوعی در خود متن وجود دارد اما ما با ایجاد این ارتباط در دیگر لحظات متن، تلاش کردیم به دیالکتیک دو شخصیت عمق ببخشیم. سعی ما این بود که با طراحی صحنه، نور، موسیقی و لباس در کمترین شکل آن، در کیفیت بازی‌ها و شیوه اجرایی به روایتی برسیم که تماشاگر تجربه ساده‌تری از مواجهه صرف

با متن داشته باشد. به گونه‌ای که پس از خروج از سالن حتی اگر معنای چند واژه متن را نداند، ماجرا را کاملاً درک و با آن ارتباط برقرار کند. این را از خود استاد بیضایی آموختیم که با ساده‌ترین انتخاب‌ها – نه آسان‌ترین‌ها – می‌توان چنین اتفاقی را رقم زد. این‌که چقدر تلاش‌مان به ثمر نشست‌ه را باید از تماشاگران پرسید.

**طراحی صحنه، لباس و موسیقی این نمایش بسیار مینیمال و گزیده‌اند. علت انتخاب این شیوه طراحی چیست؟**

**پوردرشتی:** به دلیل این‌که با متنی کلام‌محور روبه‌رو بودیم، تصمیم گرفتیم رویکردمان در طراحی صحنه، لباس، نور و حتی موسیقی، به طور کامل مینیمال باشد. هدف ما تمرکز کامل بر گفتار بازیگران در متن بود. برای ما مهم‌ترین اصل این بود که سایر نظام‌های تئاتر – مثل طراحی صحنه، نور، لباس، موسیقی – در خدمت عمق بخشیدن به کنش‌های متن باشد. معتقدیم این عناصر باید به درک بهتر و ارتباط عمیق‌تر مخاطب با متن کمک کند؛ حتی خود بازیگرها هم از راه مواجهه با لباس، نور و صحنه می‌توانند عمق جدیدی به بازی‌شان ببندند. در طراحی صحنه، تلاش کردیم از عناصر نمادین موجود در متن مثل زندان، کتاب‌ها، دانش، تخت و جام استفاده کنیم. هنگام ورود به سالن کارگاه نمایش، متوجه مختصات فیزیکی خاص آن شدیم. بنابراین، تلاش کردیم از امکانات معماری خاص سالن مثل احناهای سقف در طراحی صحنه و میزانشن‌ها استفاده کنیم. در نورپردازی، همکاری بسیار خوبی با شاهین رحمان‌علی داشتیم که خوشبختانه متن را خوانده بود و پس از دیدن نمایش به تفاهم خوبی رسیدیم و پیشنهادهای دقیقی داد. هدف این بود که با نور، به لایه‌های مختلف متن مثل وسوسه‌ها، خشم‌ها، تردیدها و نقاط شکست، عمق و جلا بدهیم. به همین دلیل باتوجه به موقعیت‌های مختلف متن، از رنگ‌هایی مثل قرمز، آبی و بنفش به‌صورت نمادین بهره‌گرفتیم. همراه با خانم گل‌محمدی طراح لباس تصمیم گرفتیم لباس‌ها دلالت مستقیم به هیچ زمان و مکان خاصی نداشته باشند. فرم لباس‌ها عمومی است،

ولی در عین حال نمایه‌هایی از مفاهیم متن در آنها دیده می‌شود. در مورد موسیقی نیز، در تمرین‌ها از موسیقی انتخابی استفاده می‌کردیم اما بعد به این نتیجه رسیدیم که بهتر است قطعاتی متناسب با فضای ذهنی و احساسی اثر ساخته شود. پس با مسعود طاهری که نگاهش به ما نزدیک بود، همکاری کردیم. نمی‌خواستیم در لحظات احساسی یا خشونت بار از موسیقی‌های غلیظ همراه با صدایی مستقیم و شدید استفاده کنیم؛ چون موسیقی باید جزئی از کل و در خدمت فضا باشد. موسیقی یابانی بار عاطفی خاصی دارد که آقای طاهری آن را به زیبایی ساخت. همه فضاسازی‌های صوتی که در طول

نمایش شنیده می‌شود، از همین قطعه‌نهایی گرفته شده و با تغییرات ظریف، برای لحظه‌های مختلف نمایش آماده شده است. رویکرد ما در مجموع، هم مینیمال بود و هم متأثر از نگاهی مدرن به متنی کهن؛ با حفظ هویت ایرانی.

**وحیدروش:** پرسش بنیادین ما از ابتدا این بود که آیا می‌توان متونی با زبان کهن را با رویکردی مدرن که با مخاطب امروز هم ارتباط برقرار کند، اجرا کرد؟ و اگر پاسخ مثبت باشد، چه باید کرد؟ ما کوشیدیم پاسخی به این پرسش بدهیم. از همین رو، در سایر نظام‌های اجرایی دست به‌گزینش زدیم و این رویکرد ما در این اجرا بود.

**پوردرشتی:** هر تئاتری که به صورت تجربی روی صحنه می‌رود، ممکن است بتواند در ارتباط با تماشاچی موفق باشد یا نباشد. در این رابطه ما هم امیدواریم که توانسته باشیم با اثر خودمان مواجهه مؤثری برقرار کرده باشیم.



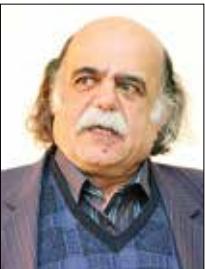
## نصب بنر خلیج فارس در نمایشگاه کتاب

**در روزهای اخیر مطرح شدن اظهاراتی درباره نام خلیج فارس، موجی از واکنش‌ها را به همراه داشت. خیلی‌ها بر نام «خلیج فارس» تأکید دوباره کردند که این نام غیرقابل تغییر و همپای تمدن ایران است. حالا در واکنش به این موضوع، در محوطه حیاط یاس مصلای تهران که این روزها میزبان مخاطبان سی‌وششمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران است بنر بزرگ خلیج فارس به ابعاد ۱۵۰ مترمربع نصب شده است. همچنین سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با حضور در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، مجموعه‌ای ارزشمند از نقشه‌ها و اسناد تاریخی مرتبط با نام «خلیج فارس» را به نمایش گذاشته است.**

## نظر کزازی درباره نمایشگاه کتاب

میرجلال‌الدین کزازی، در سومین روز از برگزاری نمایشگاه کتاب تهران مهمان غرفه انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در نمایشگاه شد و با بازدیدکنندگان دیدار کرد. کزازی در حاشیه حضور در غرفه

انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، درگفت‌وگو با ستاد خبری نمایشگاه به فعالیت‌های انجمن مفاخر در حفظ هویت ملی ایرانیان اشاره کرد و گفت: کارنامه انجمن مفاخر را به‌طور کلی مثبت ارزیابی می‌کنم، هرچند که این انجمن در طول زمان گاهی با چالش‌هایی مواجه بوده است. کزازی در مورد نمایشگاه کتاب نیز گفت: نمایشگاه کتاب به هر شیوه‌ای که برگزار شود، مفید است اما برای این‌که شایسته نام «نمایشگاه کتاب» باشد، باید دائمی و پایدار باشد. نمایشگاه نباید تنها چند روز برگزار شود و سپس به پایان برسد. هدف اصلی این نمایشگاه‌ها باید ایجاد تغییرات فرهنگی و تأثیرات ماندگار در جامعه باشد. نمایشگاه‌های کتاب باید به‌گونه‌ای برگزار شود که تأثیر آنها در طول سال باقی بماند و باعث تحول فرهنگی در سطح وسیعی از جامعه شود.



## گرنٲ ۵ میلیارد تومانی ارشاد در فلوشیپ نمایشگاه

نخستین فلوشیپ تهران، ساعت ۱۰ فردا و همزمان با ششمین روز برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، با حضور ۳۱ مهمان خارجی از ۲۰ کشور، در محل نمایشگاه کتاب افتتاح خواهد شد. در این مراسم، علاوه‌بر مهمانانی که دیروز وارد ایران شده‌اند، سفرای کشورهای حاضر در فلوشیپ، به‌همراه نمایندگان از وزارت خارجه نیز حضور خواهند داشت. همچنین رئیس و سخنگوی نمایشگاه، به همراه نمایندگان انجمن فرهنگی ناشران و جمعی از نویسندگان و تصویرگران ایرانی، در این مراسم حضور به‌هم خواهند رساند. از سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ نیز برای حضور در این افتتاحیه دعوت به‌عمل آمده است. نخستین فلوشیپ، در کنار فضای «مبادله رایت»، میزبان پنج نشست و کارگاه نیز خواهد بود. از سوی دیگر، با هماهنگی اداره مجامع و تشکل‌های فعالیت‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برنامه «گرنٲ ایران»، با بودجه‌ای معادل پنج میلیارد تومان، در این فلوشیپ حضور دارد که به قراردادهای نهایی شده تعلق خواهد گرفت.

